

متن پرسش

سلام علیکم: در رابطه با پرسش و پاسخ ۴۲۱۶۴ در رابطه با رفاقت و یگانگی معلم با دانش آموزان و تأثیر محبت و وسعت وجودی معلم در نسبت با دانش آموزان و به طور کلی شأن و نقش معلمی به شدت موافق هستم و بحثی در آن نیست که لازمه و جوهره معلمی است. اما نکاتی هم وجود دارد که عدم توجه به آن موجب فرسودگی هر چه بیشتر معلم، ملامت، خودسرزنش گری و دمیدن در حس پوچی و بی معنایی و بی اثری می شود. به اختصار برخی از نکات و ملاحظات: علم دیگر معنا و فضیلت سابق را ندارد. معلم دیگر مرجعیت سابق را ندارد. جایگاه معلم و مدرسه در جهان و به تبع آن در جامعه ما مورد خدشه قرار گرفته است. عاملیت و سوژگی معلمان محدود شده است. منطق فهم انسان ها - خصوصاً نسل جدید- از علم، تربیت، موفقیت عوض شده است. معضلات و مشکلات اجتماعی و تکثر آنها که بازتاب آن در مدرسه و کلاس درس منعکس می شود بسیار زیاد شده و معلم به تنهایی از پس آن بر نمی آید. حتی مزیتی که در پاسخ استاد مورد اشاره قرار گرفته - وقت خالی اعم از تابستان و عید و...- دیگر وجود ندارد. به دلیل شرایط بد اقتصادی حقوق معلمی واقعاً کفاف دخل و خرج زندگی را نمی دهد. یعنی دیگر بحث ساده زیستی مطرح نیست. اگر معلم در کنار کار معلمی کار دیگری انجام ندهد به فقر و خدایی نکرده در یوزگی می افتد. شرایط کنونی اعم از جنگ و بی برقی و آلودگی و در نتیجه کلاس های مجازی و تعطیلی مدارس بر بی حاصلی و بی انگیزگی می دمد. در نتیجه توجه به سیر تطورات هویت معلمی، علم، درک از موفقیت، تربیت، دگرگونی های جامعه، فضای مجازی، شرایط اقتصادی و عوامل دیگر موجب می شود به راحتی نتوان قضاوت یا تجویز کرد. معلمی که خود انسانی خسته و فرسوده است- و البته تا حد زیادی هم حق دارد- چگونه می تواند همچنان معلم و مولد بماند، معنا بیافریند و رشد کند و رشد بدهد. غرض بنده سیاه نمایی و ایجاد ناامیدی نیست. حرف این است که ابتدا باید فهم عمیق و اصیل از موقعیت انسان مورد نظر- در اینجا- معلم داشته باشیم. انسانی که خود در معرض فروپاشی و بی معنایی است. به نظر بنده بدون در نظر گرفتن این ابعاد ممکن است حتی معلمین دغدغه مند را هم دچار عذاب وجدان و خودآزاری و بی معنایی هر چه بیشتر کنیم. به این معنا که نکند من معلم بدی هستم، نکند من مهارت تدریس و هنر کلاس داری ندارم، نکند من انسان ضعیفی هستم که خودم هم در کار خودم مانده ام چه برسد بخواهم دستگیری کنم از شخص دیگری، نکند من تربیت نشده یا ایمان و صبر و رواداری لازم را ندارم و قس علی هذا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خدا را شکر که با انسان‌های فهمیده‌ای همچون جنابعالی مرتبط هستم و اساساً معلمی یعنی آن کسی که در عین این‌همه طوفان و سختی، باز متوجه جایگاه معلمی هست و این ما هستیم که در چنین میدانی با هزاران مشکل که مشکل‌سازان آن هنوز آشکار و پنهان در صحنه هستند، امیدوار به آینده‌ای هستیم که در دل جنگی که به لطف الهی آغاز شده؛ نه تنها از نظر نظامی از شر آمریکا و آمریکایی‌ها راحت می‌شویم، از آن مهم‌تر باید در دل همین جنگ، ایران از آن مردمی شود که بنای زندگی شرافتمدانه دارند بدون این‌همه تضاد طبقاتی. و این مسلماً از طریق دولتمردانی انجام می‌شود که با قاطعیت تمام در مقابل زمین‌خواران و رانت‌خواران بایستند و این کار، نباید دیر شود و مطالبات مردم بیش از همه باید در این رابطه باشد تا انقلاب اسلامی اگر در جنگ با آمریکا پیروز شد در موضوع اقتصاد و سیاست مناسب ایران بزرگ نیز پیروز گردد و حضور ما در خیابان‌ها و میدان‌ها بدون هرگونه افراط و تفریط و بدون ایجاد اختلاف، با احترام تمام باید چنین باشد وگرنه فرزندان انقلاب عملاً در این میدان مظلوم و مظلوم‌تر واقع می‌شوند. موفق باشید